

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

سال بیست و سوم- شماره ۹۲۲ یک شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۹ - ٤ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



استاندار بوشهر:

دولت در سخت‌ترین شرایط بعد از انقلاب به سر می‌برد

آمار نگران‌کننده ابتلا به کرونا

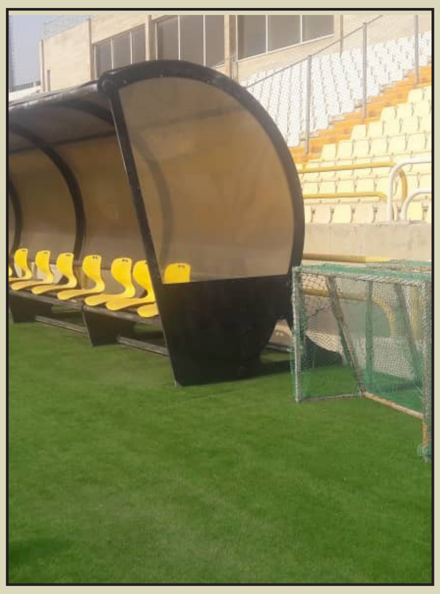
صفحه۲



رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر:

۷۲۹ میلیارد تومان اعتبار عمرانی به استان بوشهر ابلاغ شد

صفحه ۲



روز سیاه فوتبال بوشهر

در میان ثروت فراوان خدادادی، پارس جنوبی جم و شاهین شهرداری بوشهر، فقیر ماندند

اصغر شعبانی

مدیرکل ورزش و جوانان بوشهر:

ضعف مدیریتی عامل سقوط تیم‌های این استان از لیگ برتر فوتبال بود

افرادی در راس این تیم‌ها قرار می‌گرفتند که اطلاعاتی از ورزش و فوتبال نداشتند

صفحه۳



۲



سقراط هایی که توان بال گشودن در جامعه را ندارند

دکتر سعید معدنی

۲



تربیت پدرسالاری چه بر سر فرزندان می آورد؟

دکتر نیلا پشنگیان

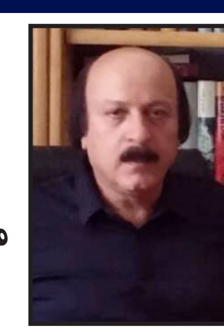
۲



ضرورت تسریع در تکمیل پروژه های مهم شهر بوشهر

رضا سیاهوشی

۳

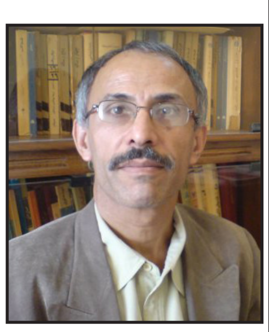


درباب فوتبالیست مدرنی بنام مهدی طارمی

فرخ روزبهی

بدرود با معلم و روزنامه نگار فروتن

خلیل موحد



ما در زمانه ای هستیم که پاره ای از زیستگاه انسان مانند دوران پیشین در قلمرو نیروهای اهریمنی است و به گفته ی مولوی:

احمقان سرور شدندست و ز بیم

عاقلان سرها کشیده در گلیم

و در این گاه نیز دست کم صدها میلیون تن از آدمیان زیر ساطور استبدادهای عقیدتی و سیاسی و روان پریشان آزمند جاه و مال، زندگی ای دردناک و آکنده از رنج و ناشادی را سپری می کنند و همان گونه که صائب تبریزی می گوید:

عالم از افسردگان یک چشم خون آلود شد

کو قیامت تا برانگیزد جهان خفته را

در این شرایط که شمار فراوانی از انسان ها آماج داغ و درفش همنوعان شریر خود قرار گرفته اند، ویروس "کرونا" نیز وارد زیستگاه ما شده است. این مهمان ناخوانده، هشت نه ماه است که از شهر "ووهان چین" سر در آورده و به خیل عظیمی از آدمیان یورش برده و تاکنون بر بنیاد آمارهای رسمی، افزون بر آلوده کردن بیش از ۲۳ میلیون انسان و آسیب های روان خراش و خسارت های هنگفت اقتصادی که بیش تر، تهی دستان را نگون سارتر از پیش کرده است، جان بیش از ۸۰۰ هزار انسان را نیز در سراسر گیتی بلعیده است.

میهن ما ایران و استان و شهر ما بوشهر نیز از یورش عفریت "کووید ۱۹" در امان نمانده و طبق آمارهای حکومت تاکنون نزدیک به ۳۹۰ هزار ار ساکنان ایران به این ویروس مبتلا شده و هر روز شماری از هموطنان ما جانشان را در رویارویی با این هیولای سیاه وا می نهند. شمار جان باختگان در سراسر کشور بر اساس گزارش های رسمی، تا سوم شهریور ۱۳۹۹، ۲۰۴۶۳ نفر است.

ما گرچه پیش از این داستان نابودی ده ها و شاید صدها میلیون انسان را به دست شرور طبیعی در تاریخ خوانده بودیم، اینک اما خود یا قربانی و یا تماشاگر عملیات ویرانگر کرونا شده ایم.

کرونا در دوران زیست بس نامیمون خود به خانواده ی ما فرهنگیان بوشهر نیز حمله کرده و "عبدالمحمد پوربهی" و "محمود بنیادی" را که از پیشینه داران فرهنگ بوشهر بودند، از ما گرفت. روان شاد و یادشان گرامی باد!

همکار فرهنگی و روزنامه نگار ما "غلامعلی قاضی زاده" نیز پسینگاه شنبه، یکم شهریور ۱۳۹۹ خورشیدی در برابر ویروس آدم کش کرونا زانو زد. خبر بستری شدن قاضی زاده را از نوشته ی کوتاه یونس قیصی زاده در واتساپ دیدم، چند بار تلفن من به غلام بی پاسخ ماند. زان پس، رخداد را به برخی همکاران فرهنگی اطلاع دادم و شماره ی غلامرضا دانشور را از علی دباش گرفتم. تلفن علی و چند بار تلفن خود من به دانشور، همکار اداری و نزدیک قاضی زاده، بی پاسخ ماند تا اینکه حسین بختیاری آزاد تلفنی خبر بدرود غلام را گفت.

مرگ قاضی زاده –که من بیش تر او را غلام صدا می زدم– زودهنگام و باورنکردنی بود، گرچه گریزگاهی برای باورکردن این رخداد شوم نیست.

قاضی زاده در دبیرستان نواب صفوی که من منطق و فلسفه درس می دادم دانش آموز رشته ی اقتصاد و یا فرهنگ و ادب بود. او بعدها در دوران جنبش بهبود خواهی دوم خرداد ۷۶ و عصر اصلاحات، خود این نسبت را به من یادآور شد. قاضی زاده در نخستین دیدار پیش بینی نشده که در خیابان با من داشت، افزون بر بیان آن نسبت پیشین گفت: لیسانس جغرافیا گرفته و دبیر آموزش و پرورش است. من هم از اینکه در جمع فرهنگیان درآمده مسرور شدم.

او هم چنین از دیگر نسبت کنونی خود با من که همان اندیشه ی اصلاح طلبانه بود سخن گفت. قاضی زاده، هم چنین از گرفتن امتیاز دوهفته نامه اش به نام "چشم انداز جنوب" خبر داد و از من چشم یاری داشت. من نیز کوشیدم در کادر توان خود با او همراهی تئوریک و نوشتاری کنم.

زنده یاد قاضی زاده ربط ژرفی با باورهای بهبودخواهانه داشت و به گواهی درون مایه ای چشم انداز جنوب با پیشتازان این اندیشه و از این میان با ملی- مذهبی ها همگرایی و فراتر از آن دلبستگی نشان می داد.

او در چشم انداز جنوب توزیع کننده ی فرآورده های عقیدتی و سیاسی روشنفکران نام آشنای مسلمان بود.

چشم انداز افزون بر اخبار رسمی، برخی رخدادهای جامعه مدنی و کنش های مردمی و اخبارستمدیدگان و ناخرسندان از سیاست های رسمی را نیز بازتاب می داد. برخی تیترهای چشم انداز اما برای قاضی زاده بازخواست بعضی نهادهای رسمی را در پی داشت.

چشم انداز جنوب با وجود منزلت محتوایی خود که آن هم به قطع باید تکامل می یافت، از نظری شکلی کاستی های فزون تری داشت و نیازمند دگرگونی بود. من این نکته را در نوشتاری با عنوان "نیازمند تحول" شرح دادم.

قاضی زاده بر بنیاد آگاهی های من، در انتشار چشم انداز، در جست و جوی مال و منال و آوازه نبود و به دشواری تمام از پس هزینه های آن بر می آمد و گاه شاید بخشی از "شندرغاز" دستمزد معلمی خود را نیز به پای درخت چشم انداز می ریخت تا هم چنان سر پا بماند. او خودخواسته حتی چشم انداز را رایگان به در خانه ی ۱۰۰ نفر می فرستاد و هزینه ی پست آن را خود پرداخت می کرد. چشم انداز از آگهی های اداری و تجاری نیز نصیب چندانی نمی برد و این بی درآمدی، کار را بر قاضی زاده دشوارتر می کرد.

قاضی زاده در زمانه ای که بعضی در کنشگری سیاسی به کمتر از سروری تشکیلاتی و گروهی خوش آمد نمی گویند و گاه در سودای پایندگی قدرت خود و یا برای بالا رفتن از پلکان قدرت، در مناسبات درون گروهی نیز آشوب برپا کرده و حتی دوستان خود را از میدان به در می کنند، در چارچوب آگاهی بر داشته های خود، در آرزوی سالاری بر جمع نبود. او دل در گرو قدرت نداشت و نگاه اش به سیاست معطوف به سودجویی اقتصادی و اداری نبود؛ گرچه یک بار از اینکه به رغم کنشگریِ باورمحورش برای پیشبرد اصلاحات، در سامانه ی مدیریتی نهادهای آموزشی به بازی گرفته نمی شد، گله داشت. من اما چون در توانمندی مدیریتی او تردید داشتم و کنشگری در فضاهایی دیگر را برای اش پسندیده تر می انگاشتم، برای او شرح دادم که شایسته تر آن است که توان فکری و کرداری خود را در عرصه ی فرخنده ی معلمی و جامعه ی مدنی و مطبوعات مستقل، عنوان رکن چهارم دمکراسی، به نمایش گذارد.

قاضی زاده پیاده نظام باورهای بهبودخواهانه ی خجسته خویش بود و به ویژه در گاه انتخابات، جست و خیز و شوق و ذوقی فزون تر داشت. در انتخابات شورای مرکزی خانه ی مطبوعات نیز جنب و جوشی داشت و یک بار به عنوان مدیر مسئول در شورای مرکزی انتخاب شد که ۱۱ عضو، شامل پنج مدیر مسئول، سه نویسنده و سه خبرنگار داشت.

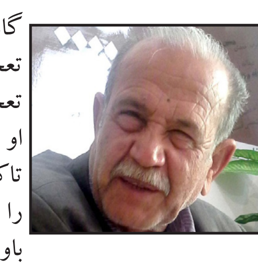
قاضی زاده شخصیتی جنجالی و غوغایی نداشت و این در گفتارش نیز نمودار بود. من به یاد ندارم که در گفتار، آوای خود را بلند کرده باشد. او انسان، معلم و روزنامه نگاری فروتن بود و با پاسداری از دیدگاه های خویش، به دیگران حتی اگر در ستیز فرهنگی و سیاسی با او بودند با ادبیاتی آرام و به ندرت غیربهداشتی سخن می گفت.

روانش شاد و یادش گرامی باد!

چه خاطره ای دردلم جا گذاشته است

به یاد غلامعلی قاضی زاده

اسکندراحمدنیا



گاهی برایم جای تعجب داشت، تعجب از این که او وادارد می کرد تاکمی مخالفتش را با حرفت و یا باوری که گاهی، رگ تعصبت به آن را وقتی دوستی مثل او به نقد می گرفت، بیشترمی شد قاضی مطلبی از مرا تیتر زده بود،گفتم: ماه رمضان رفت وتمام شد، حالا چه طور شد که یاد من افتادی و به سر وقت این مطلب خیلی موجز وکوتاه رفتی، برگشت با لبخند و گفت: حواست کجاست؟ دوهفته یکبارم دیگه! و چه خاطره ای در دلم جا گذاشته است که از دیروز و دیشب و امروز و نمی دانم چه قدر دیگر روی این زمین بمانم یادم نمی رود، دوهفته نامه اش مرتب در خانه می آمد، در انتخاب و درج مطالب چنان بی محابا عمل می کرد که وقتی با لبخندهایش مواجه می شدی با خود عهد می کردی، که خلاف جهت اراده اش هیچ گاه موضع نگیری، یا پیاده وآرام و یا سوار بر موتور از کنارت با لبخند همیشه اش بی سلام و پرسش حال نمی گذشت، هیچ وقت جسورتر از او مهربانی را ندیده بودم، جسوری که در وادی واقعیت نگاری و یا انتخاب واقعیت هایی که نباید به آن ها پرداخته شود، تسلیم هیچ نظری نمی شد، قاضی که عزیز همگان بود و در دوستی و رفاقت کم نظیر، وقتی شنیدم به بیمارستان رفته است، یه جورایی جا خوردم و اگر چه دعا می کردم، دل اندوه زده ام به گونه ای برعکس می تپید و اولین خبر (تمام کرد) را که شنیدم راستش را بگویم درجا تصمیم گرفتم، که درخانه بمانم تا راه رفتن یادم برود ولی زیر تنگی نفس های آی سیو نغلتم، دوستی گفت: باور نمی کنم ! گفتم من که ... گفت و باز هم خواست که چیز دیگری بگوید که بغضش مبدل به هق هق و شیون شد، خانواده ی خودم هم در این ایام بی مصیبت نبودند و ترکش این هجوم بی صدا را چشیدند و چه دردناک هم، از ساعت ناخوش یمن شنیدن این خبر تا همین حالا و حتی مقدار خوابی که رفته ام را یک ذره اش را خالی و جدا از این اندوه نداشته ام، بعضی دوستی ها و خاطره ی این دوست های به ناگهان رفته را سخت است که فراموش کنی!

کاش فرصتی بود تا ... ولی فراز و فرود ها کاری به ایکاش ها ندارد!

پیام تسلیت معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای درگذشت «غلامعلی قاضی‌زاده»، روزنامه‌نگار و مدیر مسئول هفته‌نامه «چشم‌انداز جنوب»



معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درگذشت «غلامعلی قاضی‌زاده»، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول هفته‌نامه «چشم‌انداز جنوب» را تسلیت گفت.

محمد خدادی با صدور پیامی، درگذشت غلامعلی قاضی زاده، روزنامه‌نگار و مدیرمسئول هفته‌نامه چشم‌انداز جنوب را که شنبه گذشته (اول شهریور) به دلیل ابتلا به بیماری کرونا از جهان رفت ، تسلیت گفت.

در متن پیام معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی آمده است:

خبر درگذشت زنده‌یاد غلامعلی قاضی زاده، روزنامه‌نگار متعهد و مدیر مسئول توانمند هفته‌نامه «چشم‌انداز جنوب»، موجب تاثر شد. اینجانب ضمن تسلیت به خانواده گرامی و دوستان و همکاران رسانه‌ای ایشان در استان بوشهر، از خداوند متعال برای آن مرحوم، غفران الهی و برای بازماندگان، صبر و اجر مساله دارم.

قاضی زاده مدیرمسئول هفته‌نامه چشم انداز جنوب و مسئول روابط عمومی سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر بود که در پی ابتلا به بیماری کرونا در بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر بستری شده بود. وی روز اول شهریور ماه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

نسیم جنوب
۲
خبر
شماره ۹۲۲ یک شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

سقراط هایی که توان بال گشودن در جامعه را ندارند



دکتر سعید معدنی

چند روز پیش سالروز کودتای ۲۸ مرداد بود. بنا به گواه تاریخ آمریکا تا به حال در بیش از ۷۰ کودتا و شبه کودتا علیه سایر کشورها مشارکت داشته است. همیشه این سوال وجود دارد که آمریکا این سطح از توانایی را از کجا بدست آورده است؟ به عبارتی ضمن حفظ خود بعنوان کشور غنی و قدرتمند، در دانش و آزادی و دمکراسی هم سرآمد است، حتی با وجود پدیده هزاره سوم شان! به نام ترامپ.

در مورد قدر قدرتی آمریکا و علل آن بسیار گفته اند. مثلا یکی از اصلی ترین آنها این است که آمریکا دور از جهان پر هیاهو و پرتلاطم اروپا و آسیا بویژه خاورمیانه است. این کشور در طول دوران دو جنگ جهانی از آسیب های جنگ مصون بوده و یا از زخم ها و بحران های خاورمیانه دور و ایمن است. خاورمیانه ای های مهاجر و جنگ زده خود را به کشور های همسایه و سپس اروپا می رسانند و سر از انگلیس، فرانسه، ایتالیا و ... در می آورند؛ اما آمریکا تا حدود زیای از اثرات این بحران ها آسوده خاطر و فارغ است.

همان طور که گفته شد تاریخ دانان، اهل سیاست و جامعه شناسان علل مختلفی را دلیل ابرقدرتی آمریکا ذکر کرده اند اما می توان از یک زاویه دیگر نیز قضیه را دید.

اجازه دهید ابتدا حکایتی از یک ملاقات تاریخی نقل کنم: در اردیبهشت سال ۱۳۳۳، سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، لویی ماسینیون مستشرق معروف فرانسوی جهت شرکت در "کنگره هزاره ابن سینا" به ایران می آید. وی در طی سفر خواهان ملاقات با غلامحسین صدیقی می شود، دکتر صدیقی بنیانگذار جامعه شناسی در ایران، وزیر کشور دکتر مصدق، و از جمله از بنیانگذاران "کنگره هزاره ابن سینا" بوده است. درست همزمان با کنگره و دوران خفقان و سرکوب پس از کودتای ۲۸ مرداد،وی در لشکر ۲ زرهی ارتش زندانی بود! زمانی که ماسینیون به ملاقات وی می رود این دو اندیشمند بزرگ ساعاتی را به گفتگو می نشینند. می گویند ماسینیون پس از ملاقات، جمله تاریخی ماندگاری می گوید:

" کشوری که سقراط هایش زندان باشند وضعش بهتر از این نمی شود!"

به باور من یکی از دلایل ابر قدرتی و قدر قدرتی آمریکا احترام، آزادی و امنیت برای سقراط هایش است. در آنجا دانشمندان و نویسندگان و روزنامه نگاران و اهل اندیشه در کمال آرامش به نقد سیاست های دولت می نشینند و از هیچ چیز جز قانون ترس ندارند.

زمانی که هیتلر یهودیان و از جمله دانشمندان یهودی را سرکوب می کرد آمریکا اغلب ایشان را به آنجا دعوت کرد و آنها از تاثیرگذاران بر تمدن نوین ایالات متحده شدند. در دنیای فلسفه و جامعه شناسی روشنفکرانی به آمریکا مهاجرت کردند که موسوم به "مکتب فرانکفورت" بودند. همگی یهودی تبعیدی و اغلب شان از مخالفان نظام سرمایه داری بودند اما آمریکا و سیا ایشان را با آغوش باز پناه داد تا به نقد سرمایه داری از درون بپردازند!

آمریکا سقراط هایش را آزاد گذاشته تا بی رحمانه بالاترین شخص مملکت را به تازیانه نقد بگیرند. مثلا بزرگترین منتقد آمریکا و سیاست هایش در جهان سوم – در نیم قرن اخیر– در خود آمریکا زندگی می کند و او "نوآم چامسکی" است.

منتقدان در آمریکا وقتی با قدرتمندترین رئیس جمهور جهان مواجه می شوند زبانشان الکن نمی شود و او را به شدیدترین وجه به باد انتقاد می گیرند. نمونه آن در همین کانال چند پست قبل است که خبرنگار هافینگتون پست با آرامش تمام ترامپ را به باد شدید ترین انتقادات می گیرد.

درست در مقابل چنین موقعیتی، وضعیت بسیاری از کشور های جهان سوم و عقب مانده است که متفکران و نخبه هایش یا آواره گوشه و کنار جهان اند یا در زندان هستند و یا با فشار و سانسور کنج ناامیدی و عزلت گزیده اند. در چنین وضعیتی است که سقراط هایشان توان بال گشودن و مشارکت در ساختن جامعه را ندارند.

در آمریکا بسیاری از محققان حوزه های فنی، علمی و علوم انسانی از اینکه با اف بی آی، سازمان سیا و یا نظامیان آمریکایی همکاری می کنند نه تنها خجل نیستند بلکه عادی بوده و بعضا افتخار هم می کنند. اما در اغلب کشورهای جهان سوم همکاری با دولت ها برای برخی ننگ تلقی می شود.

خاطرم است که در دوره انقلاب ۵۷ کسی که خودش یا پدرش با ساواک همکاری کرده بود، وقتی "ساواکی" می گفتند، انگار توهین بزرگی بود. چرا که ساواک سقراط های زیادی را به زندان انداخته و نابود کرده بود.

در آمریکا آزادی بیان و امنیت بعد از بیان برای همگان وجود دارد، پس از آن برای مداخله در سایر کشورها و انجام کودتا و استثمار اقدام می کنند. به عبارت قرآنی "اشداء علی الکفار و رحماء بینهم" را انجام می دهند. سیاستمداران آنها برای ملت هایشان آزادی و آبادی و دمکراسی و رفاه می آورند، سپس کشورهای دیگر را چپاول و استعمار می کنند. اما اغلب کشورهای جهان سوم زندان هایشان محلی برای متفکران و سقراط های منتقد است.

استاندار بوشهر:

دولت در سخت‌ترین شرایط بعد از انقلاب به سر می‌برد

آمار نگران‌کننده ابتلا به کرونا



بوشهر استاندار بوشهر گفت: با هدف رعایت پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی، برنامه های ویژه هفته دولت از جمله افتتاح طرح ها به صورت ویدئو کنفرانس برگزار خواهد شد.

عبدالکریم گراوند در نشست ستاد استانی مقابله با کرونا در استان بوشهر اظهار کرد: با توجه به ضرورت رعایت پروتکل های بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی، ویژه برنامه های هفته دولت امسال با شرایط ویژه ای برگزار خواهد شد و سفرهای شهرستانی به منظور افتتاح پروژه های عمرانی انجام نشده و این برنامه ها به صورت ویدئو کنفرانس خواهد بود.

وی با اشاره به شرایط استان در مورد بیماری کرونا اظهار کرد: همچنان آمارهای ابتلا به کرونا در استان نگران کننده است و همه مردم برای مقابله با این بیماری کمک کنند و اگر همکاری مردم در کنار نظام سلامت نباشد، وضعیت بیماری در استان وخیم‌تر خواهد شد.

به گزارش ایسنا، مقام عالی دولت در استان بوشهر تاکید کرد: مصوبه ای در ستاد ملی مقابله با کرونا به زودی ابلاغ خواهد شد مبنی بر اینکه در صورت عدم رعایت پروتکل های بهداشتی به ویژه، جرائمی از جمله تذکر، توبیخ، کسر حقوق و انفصال از خدمت در انتظار متخلفان خواهد بود.

استاندار بوشهر گفت: همچنین بر اساس مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا، ادارات و اصناف حق ارائه خدمت به کسانی که پروتکل های بهداشتی را رعایت نمی کنند، ندارند و مسئولیت ارائه خدمت به کسانی که پروتکل ها را رعایت نمی کنند با مدیر دستگاه خواهد بود.

وی بیان کرد: دولت در سخت‌ترین شرایط مالی بعد از پیروزی انقلاب به سر می‌برد و فشار حداکثری دشمنان در کنار دشمن جدید که بیماری کرونا است، نهایت سختی را بر دولت تحمیل کرده اما با تلاش و همت دولتمردان اتفاقات بزرگی در سطح کشور و استان بوشهر افتاده است.

عبدالکریم گراوند افزود: با همه مشکلات و گرفتاری‌ها شاهد افتتاح طرح های مهم زیرساختی، نفتی و گازی در کشور هستیم و استان بوشهر هم از این قاعده مستثنی نیست.

دانشگاه آزاد عالی‌شهر به مرکز بوشهر منتقل می‌شود



ایسنا/بوشهر – استاندار بوشهر گفت: بر اساس تفاهم نامه دانشگاه آزاد و نیروی انتظامی برای ایجاد مرکز آموزشی ناجا در جنوب کشور، مجتمع آموزشی دانشگاه آزاد عالی شهر به مرکز بوشهر منتقل می شود.

عبدالکریم گراوند در هفدهمین جلسه هیات امنا دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر که با حضور دکتر بطحایی معاون دانشگاه آزاد کشور برگزار شد، در مورد تفاهم نامه دانشگاه آزاد و نیروی انتظامی برای اختصاص مجتمع آموزشی عالی شهر به ناجا به منظور ایجاد مرکز آموزشی نیروی انتظامی در جنوب کشور اظهار کرد: با توجه به شرایطی که دانشگاه عالی شهر داشته و هزینه هایی که برای دانشگاه آزاد دارد می طلبد دانشگاه آزاد واحد بوشهر نسبت به انتقال مجتمع عالی شهر اقدام کند.

وی بیان کرد: با توجه به درخواست نیروی انتظامی برای استفاده از فضای مجتمع عالی شهر برای ایجاد مرکز آموزشی جنوب کشور در بوشهر، قرار است طی تفاهم نامه ای این واگذاری انجام شود.

مقام های دولت در استان بوشهر تاکید کرد: با تفاهم نامه ذکر شده، نیروی انتظامی مرکز آموزشی جنوب کشور را در بوشهر راه اندازی می کند.

گراوند اضافه کرد: تلاش است تا دانشگاه آزاد مستقر در عالی شهر با توجه به مشکلات عمده از جمله هزینه هایی که دارد، به بوشهر منتقل شود.

استاندار بوشهر گفت: استان بوشهر در مسیر توسعه است و انتقال دانشگاه آزاد عالی شهر به مرکز بوشهر ضمن فرصت برای استفاده بهتر از منابع مالی، به تسریع در روند توسعه استان هم کمک می کند.

وی ادامه داد: تفاهم نامه انتقال و واگذاری دانشگاه عالی شهر بین دانشگاه آزاد و نیروی انتظامی اقدامی مفید و مطلوب برای هر دو طرف خواهد بود.

این مسئول بیان کرد: آمادگی تامین زمین مورد نیاز برای احداث دانشگاه جایگزین مجتمع عالی شهر، در شهر بوشهر داریم و این مهم با همکاری دانشگاه و دستگاه های ذیربط انجام خواهد شد.

رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان بوشهر:

۷۲۹ میلیارد تومان اعتبار عمرانی به استان بوشهر ابلاغ شد



بوشهر-ایرنا- رئیس سازمان **مدیریت و برنامه ریزی** استان بوشهر گفت: از ابتدای سال جاری تاکنون ۷۲۹ میلیارد تومان از محل ردیف‌های مختلف بودجه برای تسریع در طرح‌های حوزه عمرانی به این استان ابلاغ شده‌است.

علی درویشی در جمع خبرنگاران افزود: از مجموع این میزان اعتبار سهم ردیف استانی ۱۴۸ میلیارد تومان، ۳ درصد حاصل از فروش نفت ۱۷۷، ۲۷ صدم ارزش افزوده که به حوزه ورزش و جوانان و نوسازی مدارس اختصاص دارد ۶۳، راه روستایی ۳.۱، متوازن استانی ۱۵۷، متوازن ملی در پروژه‌های دارای ردیف ملی ۱۲۹، جرایم راهنمایی و رانندگی ۴.۷ و تبصره ۱۹ نیز نزدیک به ۴۶ میلیارد تومان است.

وی بیان کرد: پروژه‌هایی که برای افتتاح در هفته دولت امسال نیاز به تخصیص داشتند ۳۷ پروژه است که در مجموع ۶۰ میلیارد تومان تخصیص اعتبار به آنها صورت گرفت و در موعد مقرر به بهره‌برداری خواهد رسید.

درویشی ادامه داد: برای تامین مالی سدهای باغان و دشت پلنگ فاینانس آنها مراحل نهایی را گذرانده است و سد دالکی ۷۰ میلیارد تومان فاینانس داخلی برای آن تامین و هزینه شده و تامین ۱۷۰ میلیارد تومان دیگر نیز در مراحل نهایی شدن است.

وی اظهار داشت: تکمیل پروژه راه‌آهن بوشهر – فارس نیز ۵ تا ۶ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد که این میزان اعتبار باید از محل فاینانس تامین شود.

درویشی گفت: به لحاظ این که عملیات اجرایی این پروژه مهم متوقف نشود سالانه نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان اعتبار در این طرح هزینه می‌شود.

وی ادامه داد: سال گذشته ۶۵ میلیارد تومان در قانون بودجه برای پروژه راه آهن بوشهر لحاظ شده بود و امسال با وجود اینکه اولویت با طرح‌های با پیشرفت بالا بود با رایزنی صورت گرفته همان عدد سال گذشته لحاظ شد و با پیگیری‌های صورت گرفته مقرر شد تا سقف ۱۰۰ میلیارد تومان افزایش پیدا کند.

درویشی بیان کرد: سال گذشته با وجود این که میانگین تخصیص طرح‌های ملی پروژه حدود ۵۰ درصد بود این تخصیص به صورت ۱۰۰ درصد انجام شد.

وی با اشاره به ضرورت معرفی دستگاه‌های برتر در جشنواره شهید رجایی اظهار داشت: در ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی تمرکز بر ۲ دسته از شاخص‌ها است که گروه نخست شاخص‌های عمومی است که تمرکز ارزیابی بر اساس هفت محور اصلاح ساختار نظام اداری، توسعه دولت الکترونکیک، افزایش بهره‌وری، بهبود فضای کسب و کار، شفافیت و مدیریت مالی، مدیریت سرمایه انسانی و مدیریت عملکرد و سلامت اداری است.

درویشی بیان کرد: در این هفت محور ۵۲ دستگاه استان با هم مقایسه و همه آنها بر مبنای ۱۰۸ شاخص مورد ارزیابی قرار می گیرند.

وی ادامه داد: فراتر از این ارزیابی رسالت خاصی نیز برای هر دستگاه پیش بینی شده که علاوه بر هفت محور شاخص‌های عمومی در شاخص‌های اختصاصی نیز ارزیابی می‌شوند.

درویشی گفت: در مجموع دستگاه‌ها در ۷۸۰ شاخص مختلف مورد ارزیابی قرار می گیرند که به طور میانگین سهم هر دستگاه ۱۵ شاخص است ولی برخی دستگاه‌ها مانند دانشگاه‌های علوم پزشکی و خلیج فارس و آموزش و پرورش شاخص‌های اختصاصی بسیار زیاد و برخی نیز شاخص‌های اختصاصی معدودی دارند.

وی افزود: سقف امتیاز تعریف شده برای شاخص‌های عمومی و اختصاصی در هر بخش یک هزار امتیاز تعریف شده‌است.

درویشی اظهار داشت: فرایند ارزیابی دستگاه‌ها نیز با ابلاغ بخشنامه سازمان اداری استخدامی آغاز شده و نزدیک به ۴۲۰ نفر ساعت آموزش برای دستگاه‌های درگیر ارزیابی عمکرد ارائه شد.

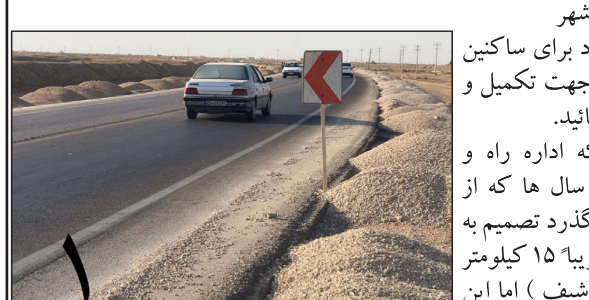
وی گفت: با توجه به اهمیت انعکاس عملکرد دستگاه‌ها در ارتباط با رسانه‌ها از سال گذشته نیز این شاخص حائز اهمیت در ارزیابی دستگاه‌های اجرایی استان بوشهر مورد لحاظ قرار گرفته است. برخلاف سال گذشته امسال دستگاه‌ها با ورود به سامانه تعریف شده برای نتیجه ارزیابی امکان رویت امتیاز کسب شده را دارند.

ضرورت تسریع در تکمیل پروژه های مهم شهر بوشهر

رضا سیاهوشی

مدیرکل محترم راه و شهرسازی استان بوشهر

پروژه هائی که ذیلاً به ان اشاره می گردد برای ساکنین شهر بوشهر مهم و اثرگذار هستند . لطفاً جهت تکمیل و بهره برداری از آن توجه ویژه حاصل فرمائید.



مورد اول؛ بیش از یک سال است که اداره راه و شهرسازی در اقدامی عجیب و پس از سال ها که از احداث جاده ساحلی بوشهر به گناوه می گذرد تصمیم به شانه سازی قسمتی از این جاده نموده (تقریباً ۱۵ کیلومتر بعد از پُل در مسیر سایت پرورش میگو شیف) اما این هم بسان تمام کارهای دیگری که در استان ما با سروصدا و تبلیغات و ... کلید می خورد و بعد از کوتاه مدتی یا تعطیل می شود و یا سرعتی مورچه وار می گیرد !



چرا عملیات اجرائی این پروژه نیز به کندی در حال انجام است ؟

جای بسی تاسف است که هنگام احداث جاده های بین شهری که هزینه زیادی نیز صرف اجرای ان می شود به رکن بسیار مهم آن که شانه جاده است توجه لازم نمی شود و یا به مانند این جاده کار را نیمه تمام و بسیار خطرناک رها می کنند که همین بی اهمیتی حوادث جانی و مالی بسیاری برای مردم در پی دارد .



مورد دوم؛ جاده دوم خروجی بوشهر می باشد که از مسیر خیابان صدرا (از صلح آباد) ابتدا جاده ساحلی بوشهر ، گناوه را قطع و در پایان به بزرگراه بوشهر ، برازجان منتهی می گردد . بخشی از این جاده احداث گردیده اما متاسفانه بعلت عدم پیگیری جدی جهت احداث پُل صدرا (روی دریا) نیمه تمام مانده که امیدواریم روزی بودجه لازم برای این پروژه بسیار مهم نیز در نظر گرفته شود.

ساخت ۱۱۵۱ کلاس درس کارنامه درخشان مشارکت خیران و دولت در بوشهر

براساس آمار رسمی مسئولان استان بوشهر از سال ۹۲ تا پایان سال ۹۸، یکهزار و ۱۵۱ کلاس درس با ۲هزار و ۵۶۸ میلیارد و ۳۷۷ میلیون ریال اعتبار در این استان احداث شده که کارنامه‌ای درخشان از مشارکت خیران و دولت در زمینه مدرسه سازی است.

به گزارش ایرنا، مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر روز چهارشنبه درنشست با خبرنگاران در سالن کنفرانس شهدای ایرنا مرکز بوشهر گفت: در این ارتباط ۳۰۵ مدرسه با ۱۶۷هزار و ۵۲۰ مترمربع زیربنا در این استان احداث شد که از این میزان ۶۱۱ کلاس درس در قالب ۱۵۵ مدرسه و ۷۸هزار و ۹۲۸ مترمربع زیربنا با ۸۲۵ میلیارد و ۹۲ میلیون ریال سهم خیران است.

احمد مرادی بیان کرد: : از شمار پروژه‌های تحویلی در استان بوشهر ۳۹۳ کلاس درس در قالب ۱۰۲ مدرسه با ۵۲ هزار و ۳۸۲ مترمربع و یکهزار و ۳۸۶ میلیارد و ۹۰۹ میلیون ریال در دولت دوازدهم اجرا شده‌است.

وی یادآور شد: در زمان حاضر ۶۵۳ کلاس درس دیگر در قالب ۱۰۲ پروژه با ۱۲۷هزار و ۶۳۸ مترمربع زیربنا و سه هزار و ۲۹ میلیارد و ۱۰۴ میلیون ریال در این استان دست اجراست که از این شمار ۳۷۰ کلاس درس در قالب ۶۳ پروژه با ۶۷ هزا رو ۲۶۲ مترمربع زیربنای آن امسال مورد بهره‌برداری قرار می گیرد.

مرادی اضافه کرد: شمار پروژه‌ها در دولت دوازدهم نشان می‌دهد روند مدرسه سازی در استان بوشهر با وجود همه مشکلات و تنگناهای اقتصادی متوقف نشده‌است.

به گفته مرادی از سرجمع هشت هزار کلاس درس در قالب ۲ هزار مدرسه فعال در استان بوشهر، یکهزارو ۱۵۱ کلاس درس در دولت تدبیر و امید احداث و تحویل آموزش و پرورش شده‌است.

وی گفت: در این مدت رویکرد دولت تنها به سمت احداث مدرسه‌های شهری نبود بلکه در راستای عدالت آموزشی احداث ۱۸۳ کلاس درس روستایی نشان می‌دهد در این بخش روستاها نیز مورد توجه قرار گرفته است.

تربیت پدرسالاری چه بر سر فرزندان می آورد؟

دکتر نیلا پشنگیان – روانشناس

پدر سالاری، نظامی نامرئی و طبقاتی است که برخی ارزش ها را مهم و برخی ارزش ها را بی اهمیت تلقی می کند.

ارزش های مهم نظام پدرسالاری عبارتند از: قدرت، تفکر منطقی، کنترل اوضاع و ابراز وجود و ...

این ارزش ها به صورت خودآگاه و ناخودآگاه توسط مادران، پدران و مدارس و مؤسسات دیگری که به پاداش و تنبیه وابسته اند، مهم شمرده و آموزش داده می شوند.

به همین دلیل از مردان خواسته می شود که احساسات خود را در این راستا و هماهنگ با این ارزش ها، شکل بدهند.

پسران و دختران می آموزند که نقاب و شخصیتی را انتخاب کنند که با این قالب ها و رفتار اجتماعی سازگار باشد.

به این تربیت هر آن چه با این استانداردها هماهنگ نباشد می تواند به منبع احساس گناه تبدیل شود. آن چه این پسران و مردان در وجود خود سرکوب می کنند، بخش هایی از احساس و غریزه از وجود خودشان است.

البته هر آن چه در روان سرکوب می شود هنوز در ناخودآگاه زنده است و به زندگی ادامه می دهد و به محض این که فرصت مناسب پیدا کند، می تواند دوباره به سطح خودآگاه بیاید و خود را در موقعیت و رابطه ای جدید نشان دهد.

فرهنگ پدرسالار با معصومیت کودکانه دشمنی دارد، ویژگی کودکانه را بی ارزش می داند. به مردانی پاداش می دهد که می توانند جدی باشند. در نتیجه ما مردانی خواهیم داشت که اقتدار و موفقیت را مهمتر از گرمی، همدلی و رابطه مداری می دانند.

لطافت و مهربانی در بازی حاکم مرد سالار که محوریت اصلی آن، برد – باخت است و اگر برنده نشوی رقیب برنده خواهد شد، هیچ جایی نخواهد داشت.

مردان خود را فقط مرد می دانند و زنان خود را فقط زن. ولی واقعیت روانشناختی نشان می دهند



که انسان موجودی دوجنسیتی است. اعتقاد به دو جنسی بودن انسان اولیه در بسیاری از سنت ها دیده می شود.

پرفسور یونگ روانشناس معروف، عنصر متضاد درون مرد را آنیما و عنصر متضاد درون زن را آنیموس نامیده است.

منظور از آنیما یا روان زنانه، عنصر مونث در وجود مرد و منظور از آنیموس یا روان ، عنصر مذکر در شخصیت زن است.

وی این کلمات را از کلمه ی لاتین Animare به معنای« روح دادن » گرفت، زیرا می پنداشت کار روان زنان و روان مردان همچون روح و روان بخشیدن به مرد یا زن است.

یونگ در کتاب "سرخ" خود می گوید: آنیما یک کهن الگوست برای بیان این واقعیت که مرد دارای کمترین میزان ژن زنانه است.

آنیما در مرد را مصداق رابطه مداری، گرمی، ملایمت، انعطاف پذیری، هیجانی بودن، همدردی، محبت و شهود دانسته اند.

هدف از نوشتن این مقاله، آگاه سازی والدین و مربیان برای پرورش کودکانی است که هم از میزان بالایی از آنیموس (اثبات وجود) که شامل ویژگی های رهبری، سلطه، رقابت جویی می شود و هم از میزان بالایی آنیما (یکپارچگی) که شامل: همدلی، تفاهم، رابطه مداری، محبت و هیجان میشود، برخوردارند.

یونگ این فرایند جمع دو قطب متضاد را «فردیت و یکپارچگی» می نامد و نشانه رشد و روانشناسان رشد این افراد را «آندروژنوس» می نامد. آندروژنوس (ترکیب دوهورمون آندروژن و پروژسترون؛ تحریک کننده خصوصیات نرینه و مادینه) معرف فردی است که هم در مقیاس اثبات وجود توانایی بالایی دارد و هم در مقیاس یکپارچگی.

افراد اندروژنی فاقد سنخ پذیری جنسی هستند و رفتارشان را باموقعیت سازش می دهند و خود را به تعاریف فرهنگی مرد و زن محدود نمی سازند.

کودک آندروژنوس هیجان خود را فرو نمی خورد و آن را نشانه ی ضعف نمی داند بلکه به شکل صحیحی سعی در ابراز هیجان خود دارد و همچنین دوستان خود را برای نشان دادن هیجان مورد تمسخر قرار نمی دهد.

مرد آندروژنوس از در آغوش گرفتن کودک خردسال خود احساس ناراحتی نمی کند، قطع نشدن گریه نوزاد را نشان نافرمانی نمی داند، با فرزندان خود در عین حفظ اقتدار رابطه دوستانه برقرار می کند، در دنیای کار علیرغم اثبات وجود و رقابت جویی به دنبال حفظ یکپارچگی با همکاران خود است و با همسر خود رابطه خشک و یا سلطه جویانه برقرار نمی کند و همواره عشق و همدلی در رابطه صمیمانه اش حضور دارد.

ورزشی
شماره ۹۲۲ یک شنبه ۲ شهریور ۱۳۹۹
NASIM JANOUB

در میان ثروت فراوان خدادادی، پارس جنوبی جم و شاهین شهرداری بوشهر، فقیر ماندند

داد خبر ـ اصغر شعبانی: پرونده‌ی نوزدهمین دوره ی رقابت‌های لیگ برتر، شامگاه پنجشنبه ۳۰ مردادماه در حالی بسته شد که پارس جنوبی جم نیز بعد از شاهین شهرداری به لیگ یک سقوط کرد و غم و اندوه فراوانی را برای هواداران فوتبال در استان بوشهر به یادگار گذاشت!!

حضور در لیگ برتر افتخار بزرگی است، داستان فوتبال با تمامی رشته های ورزشی متفاوت است، شور و هیجان فوتبال با هیچ رشته ی ورزشی دیگری قابل قیاس نیست، لیگ برتر و فوتبال این رشته ی دوست داشتنی که در برنامه های متعدد صبحگاهی و شامگاهیِ رادیو و تلویزیون، روزنامه های سیاسی و ورزشیِ و مجلّات رنگارنگی که بصورت هفتگی و ماهانه چاپ می شوند جایگاه ویژه ای دارند و می توانند نام یک شهر، شهرستان و استان را در ردیف بزرگان ورزش و حتا سیاست کشور قرار دهند.

باید بپذیریم که بازیهای لیگ برتر فوتبال، میلیون‌ها ایرانی از شمال و جنوب گرفته تا شرق و غرب را برای ساعاتی پای تلویزیون گرد می‌آورد و علاقه‌مندان در شهرهای کشور که حالا دیگر از سنین مختلف پیگیر نتایج آن هستند در فضایی سالم، رقابتِ دوست، همشهری و یا هم استانی خود را به تماشا می‌نشینند.

این دوره از مسابقات لیگ برتر برای هواداران فوتبال در استان بوشهر ویژگی های زیادی داشت، در این فصل از بازیها از استانِ ما نمایندگانی فعالیت داشتند که فوتبال را برایمان جَذاب کرده بود.

بستن دو تیم نه چندان قوی و کارآمد، تغییر و تحولات و جابجایی عجیب و غریب مربیان شاهین شهرداری و پارس جنوبی، مشکلات عدیده ی مالی و جذب بازیکنان بی کیفیت غیربومی در کنار عدم بهره گیری از جوانان خلاق و باانگیزه ی بومی از جمله عواملی بود که با سقوط هر دو تیم استان، کام هواداران فوتبال در شهرهای بوشهر و جم و البته دیگر شهرستانهای استان را تلخ نمود .

در استانی که سالانه صدها هزار میلیاردها تومان به درآمد کشور می‌افزاید و خیلی از خانواده های مسئولان دولتی با پولهای به‌دست آمده از تلاش و سختی های مردم استان بوشهر در ناز و نعمت زندگی می کنند سو مدیریت و البته عدم حمایت های مالی به موقع موجب شد تا تیم قابل احترام پارس جنوبی بعد از شاهین شهرداری از لیگ برتر جدا و راهی لیگ یک شود .

آیا مدیران ارشد سیاسی و غیر سیاسی استان تا بحال اندیشیده‌اند چه دلیلی دارد که تیمهای استانهای دیگر کشور می‌توانند از اعتبارات دولتی استفاده کنند و ما نمی‌توانیم؟ چرا بودجه های میلیاردی دولت و پول های بیت المال برای پرداخت پرونده‌های خارجی سرخابی‌های پایتخت هست و برای ما نیست؟ چرا شرکت‌های بزرگ صنایع و معادن می‌توانند از تیمهای فولاد خوزستان و سپاهان و ذوب آهن اصفهان و ... حمایت مالی گسترده داشته باشند اما در استان بوشهر پارس جنوبی باید با مشکلات عدیده ی مالی کنار بیاید، بازیکنانش معترض و کادر فنی و مربیانش بدلیل همین بی پولی ها در طول یک فصل بارها جابجا شوند و در نهایت سقوط از لیگ برتر سهم شان شود؟

آقای گراوند استاندار محترم :

متاسفانه همان بر سرمان می آید که از آن می ترسیم!! تنها دل‌خوشی جوانان و هواداران ورزش دوست استان بوشهر همین تیمهایی بود که سقوط کردند، آیا خبر پیگیری استاندار هرمزگان برای داشتن یک تیم فوتبال در لیگ برتر را شنیده اید؟ آیا خبر دارید فریدون همتی همین یکی دو هفته پیش در دیدار و مذاکره اولیه با مدیرعامل گروه صنعتی ایران خودرو، خواستار واگذاری تیم فوتبال پیکان به این استان شد؟ جوانان علاقمند فوتبال در استان بوشهر خوشایندشان نیست که امتیازی را این گونه تصاحب شوند چرا که خاطره ی تلخ نابودیِ پاس تهران را به یاد دارند اما انتظارشان بود شاهینِ شهرداری و پارس جنوبی حمایت مالی شوند تا بتوانند فوتبال را با نام بوشهر به نظاره بنشینند، مایه ی تاسف است که هر دو تیم سقوط کرده به لیگ یک از استان بوشهر باشند.

برای ما که در ورزش قلم می‌زنیم و برای هواداران فوتبال غیر قابل تصور است که تیمهای مس رفسنجان و آلومینیوم اراک به راحتی از بودجه های دولتی و صنعتی استفاده کرده و به لیگ برتر راه پیدا می کنند اما اینجا در میان ثروت فراوان خدادادی، پارس جنوبی در شرایط سخت حمایت مالی قرار گیرد و کارش به سقوط بینجامد، یک جای کار ایراد دارد، یا آنها اشتباه می کنند و یا ما؟! فقط می‌توان گفت متاسفیم که در فصل آتی لیگ برتر تیمی از استان بوشهر حضور ندارد.

دادستان بوشهر خبر داد

بازداشت ۵ نفر از کارکنان شهرداری بوشهر و افراد مرتبط به اتهام اختلاس

ایسنا/بوشهر- دادستان بوشهر از دستگیری و بازداشت تعداد دیگری از کارکنان شهرداری بوشهر خبر داد.

علی حسن پور در گفت وگو با ایسنا با تایید خبر دستگیری تعداد دیگری از کارکنان شهرداری بوشهر عنوان کرد: در تداوم رسیدگی به پرونده سو استفاده مالی در شهرداری بوشهر ۵ نفر دیگر از کارکنان شهرداری و افراد مرتبط به اتهام اختلاس و ارتشاء دستگیر شدند. این افراد پس از تفهیم اتهام و صدور قرار تامین کیفری جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره اطلاعات استان بوشهر قرار گرفته و پرونده در شعبه هفتم بازپرسی این دادسرا در جریان رسیدگی قرار دارد.

روز سیاه فوتبال بوشهر

ایسنا/ بوشهر همه‌ی عشقِ فوتبال‌ها یک جایی در دل و گوشه ی چشم برای این شبها خالی گذاشته اند. حالا شاهین سقوط کرده، و پارس هم یکی دو گل کم آورد و «افتاد». پیش بینی اش اما سخت نبود، شاهین هیچ چیز برای رقابت نداشت، پارس هم که از فصل قبل کفگیرش به ته دیگ خورده بود و کارش هر روز به اعتصاب و تمرین نکردن کشیده بود...

«بی مایه فطیره!». این یکی از ماندگارترین مونولوگ های فوتبال ماست. روزگاری غلام پیروانی بود که فوتبال را بدون پول بی معنی می دانست و جملاتی از سر درد به زبان آورد که تبدیل شد به ضرب‌المثل‌های فوتبال ایران. «ژ۳» های معروف «شاغلام» که باید به جنگ تانک می رفتند، گویی شاهینِ این فصل بود، پارس بود و شاید کل ورزش این استان زرخیز...

راه فوتبال را جدا کنیم

فوتبال امروز یک صنعت است. پول کلان، اسپانسر قوی، تبلیغات درآمدزا و ده ها مدل درآمدزایی دیگر لازمه ی فوتبال حرفه ای است. تیم های ما -استان بوشهر- هیچکدام از این ها را ندارند. شاید در قیاس با استان هایی که صنایع فولاد، مس، خودروسازی و... تیمداری می کنند، ما حقانیت کمتری برای حضور در سطح اول فوتبال کشور را داریم.

فوتبال همین اندازه بی رحم و واقع گراست. هزینه های میلیاردی را نمی شود با خواهش و تمنا از این مسئول و آن نهاد دولتی تامین کرد. یک بار برای همیشه باید تکلیف ورزش بوشهر با صنایع مستقر در استان روشن شود، اگر امیدی به تیم‌داری آنها نیست، راه فوتبال را جدا کنیم که این روش کجدار و مریز صدماتش بیشتر خواهد بود.

فوتبالِ وابسته

روی دیگر ماجرا اما، تجربه ی نه چندان موفق خصوصی سازی در فوتبال ایران است. سرنوشت بسیاری از باشگاه های خصوصی گواه این نکته است که فوتبال در ایران وابسته به صنایع و بودجه دولتی است.

خوب یا بد، سرمایه گذاران به این نتیجه رسیده اند که خصوصی سازی با وجود روابط غیر شفاف و تصمیم های مشکوک در سطح کلان فوتبال، صرفا هدر دادن پول و یا مفری برای پولشویی است. آفتی که قطعا مضرتر از دولتی بودن ورزش ماست.

با این اوصاف آسیب های تیمداری دولتی و آینده ی مبهم باشگاه های خصوصی، فوتبالِ ما را بیش از پیش به سمت آماتور شدنَ پیش می برد.

مدیریت ناکارآمد!

همه ی این ها البته به کیفیت کار و نفوذ مدیران ما بستگی دارد. فوتبال ما از ضعف مدیریتی رنج می برد، پول و مدیریت رابطه ی علت و معلولی دارند. پول جایی می آید که مدیران قوی حضور داشته باشند، مدیران مجرب هم سمت تیم های بی پول نمی روند.

علاوه بر این، روابط حاکم بر فوتبال، نفوذ و لابی قوی در سطوح بالا را می طلبد؛ چیزی که به کلی از آن بی بهره ایم. تجربه ی سالها پیش شاهین در لیگ برتر و این چند فصل پارس جنوبی جم و شاهین شهرداری بوشهر، گویای



این نارسایی بزرگ است. مدیران ما نه راهروهای فدراسیون را بلد بودند نه زد و بندها و لابی گری های رایج در آن را می شناختند.

فقر امکانات!

فوتبال حرفه ای لوازم و ابزار خود را می طلبد. امکانات نیم بند، مدیریت فشل، نداشتن اسپانسر و حتی کمبودهایی مثل نبود هتل مناسب یا امکانات تمرینی با کیفیت، چیزهایی نیستند که با تعصب بازیکنان یا شور هواداران قابل جبران باشند. واقع بینانه که نگاه کنیم در قیاس با تیم هایی که در کورس ماندن در لیگ برتر بودند، این حق ما بود که آن شبِ تلخ را تجربه کنیم، ما در برابر شهرهاییَ مثل تبریز و کرمان و اصفهان و... هیچ چیزی برای عرضه در سطح اول فوتبال نداریم. همان تک ستاره های این سالها هم به لطف رفتن به تیم های بزرگ، چهره شدند.

فوتبال جنگ دارا و ندار است، استعداد ها صرفا بخشی از دارایی تیم ها هستند. داشتن هوادار پرشور یا بازیکنان متعصب و با کیفیت تضمینی برای بقا و پیشرفت نیست، کما اینکه برای سپیدرود، ابومسلم، استقلال اهواز و... هم نبود. نقطه مشترک همه ی این تیم ها، بی پولی و پاسکاری شدن بین مالکین مختلف بود.

تیمداری به سبک مدیران ما!

شاهین با «ویسی» مربی جوان و بازیکن سازی که سابقه قهرمانی لیگ برتر را داشت شروع به کار کرد، اما به شش هفته نرسید که او وضعیت آشفته شاهین را تاب نیاورد و عطای سکان هدایت شاهین را به لقایش بخشید، آمد و رفت «کریمیان» و «میشو» هم نتوانست وضعیت آشفته شاهین را بهبود ببخشد.

همان بارقه ی امیدی که عملکرد «میشو» در دل هواداران شاهین ایجاد کرد با شیوع کرونا و عدم بازگشت وی رو به خاموشی گذاشت. در این میان کریمیانِ جوان هم آن قدر تنها بود که نتواندَ ناجی تیمش باشد و ما شاهد افت دوباره شاهین باشیم. یاد می آوریم که وقتی شاهین بوشهر از سوی فیفا تعلیق شد، شهرداری بوشهر شاهین شهرداری را ساخت، گرچه که این شاهین تازه متولد شده باب دل خیلی از مردم بوشهر نبود. بعد از صعود به لیگ برتر، این فصل به پایان نرسیده، «سعید مسیگر»؛ مدیرعامل شاهین بوشهر از عدم تمایل شهرداری برای تیمداری می گفت.

مسیر لیگ یک

پارس جنوبی جم هم از همین مدل مدیریتی پیروی کرد. جدای از مصوبات وزارت نفت و عدم تمایل به تیمداری، رفتار مدیران پارس جنوبی و حتی مسئولان استانی هم در راستای سقوط پارس و آسودگی از گرفتاری های تیمداری در لیگ برتر بود.

حذف مدیر موفق سال‌های گذشته، فراری دادن مربی جوان و کاربلد پارس جنوبی، رفتن بخش بزرگی از بازیکنان فصل قبل و مشکلات مالی، دست آخر مسیر لیگ یک را جلوی پای تیم محبوب مردم جم گذاشت.

آمدن فراز کمالوند با حاشیه های تمام نشدنی اش، رفتن او و هدایت پارس به دست مربیان بی تجربه ی بعدی و سپس آمدن هومن افاضلی که کارنامه او در سقوط تیم هایش گواه توانایی فنی اش است و این اواخر آمدن سیروس پورموسوی که خیلی دیر اتفاق افتاد، تنها اتفاقات یک فصل فوتبالی پارس جم بود. باید اعتراف کرد هر تیمی در هر سطحی که باشد با این حجم از حاشیه و بی ثباتی قادر به ماندن در لیگ برتر نیست.اینها را که بگذارید کنار بلوکه شدن چند میلیارد پول پارس جم، بسته شدن ضعیف ترکیب دو تیم، دخالت های اعضای شورای شهر بوشهر در مدیریت شاهین و چندین و چند دلیل فنی و غیر فنی دیگر، قطعا به این نتیجه خواهید رسید که از روز اول اراده ای در سطح کلان مدیریتی برای بقا و موفقیت دو تیم وجود نداشت.

چه باید کرد؟!

فوتبال حرفه ای، ساختار باشگاهی و تشکیلات حرفه ای می خواهد، از مدیر کارآزموده و با تجربه که توان جذب منابع مالی را دارد تا کادر فنی به روز و با تجربه. امکانات سخت افزاری همچون زمین و کمپ تمرینی و محل اسکان بازیکنان و ورزشگاه مدرن و مجهز. همه ی اینها در کنار پشتیبانی تضمین شده ی صنایع مستقر در استان و حمایت مسئولان عالی استان ضامن موفقیت در فوتبال است.

با این شرایط است که می توان از هدر رفتن استعدادهای جوان استان جلوگیری کرد. بپذیریم که امروز فوتبال یک ویترین برای کل استان است، از بخش مدیریتی گرفته تا معرفی و نمایش فرهنگ هواداری همه زیر سایه ی فوتبال به نمایش در می آید. اگر خواهان رشد و توسعه ی فوتبال در استان بوشهر هستیم باید زیرساخت ها و تشکیلات فوتبال را به استانداردهای روز نزدیکتر کنیم. تنها در این صورت است که می توان انتظار موفقیت و صعود داشت.

مدیرکل ورزش و جوانان بوشهر:

ضعف مدیریتی عامل سقوط تیم‌های این استان از لیگ برتر فوتبال بود

افرادی در راس این تیم‌ها قرار می‌گرفتند که اطلاعاتی از ورزش و فوتبال نداشتند



بوشهر- ایرنا- مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر گفت: ضعف مدیریتی عامل سقوط تیم‌های فوتبال شاهین شهرداری و پارس جنوبی جم از لیگ برتر فوتبال کشور شد.

احمد بهروزیان فرد در جمع خبرنگاران افزود: هر دو تیم شاهین و پارس جنوبی جم مورد حمایت ویژه مسئولان استان بوشهر بودند و در رصد انتقادها پیرامون سقوط این تیم‌ها از لیگ برتر نیز هواداران معترض عملکرد مجموعه خود تیم‌ها هستند.

وی بیان کرد: خیلی تلاش شد شاهینی که از بین رفته بود دوباره به عرصه فوتبال کشور برگردد ولی پس از تحقق این مهم باشگاه‌داری و تیم‌داری کار اداره کل ورزش و جوانان نبود و قانون نیز این اجازه را نمی‌دهد.

مدیرکل ورزش و جوانان بوشهر ادامه داد: اگر ما در کادرفنی تیم دخالت می‌کردیم باید الان پاسخگو باشیم ولی این اداره کل هیچگونه دخالتی در این امور نداشت و هرگونه همکاری موردنیاز با این تیم‌ها انجام شد.

بهروزیان فرد اظهار داشت: تیم‌های شاهین و پارس جنوبی جم هیچ گونه مشکل مالی نیز نداشتند و با پیگیری‌هایی که انجام شد حداقل پرداختی این تیم‌ها بین ۶۰ تا ۷۰ درصد بوده ولی ضعف مدیریتی تیم‌ها باعث شد آنها سقوط کنند.

وی یادآور شد: افرادی در راس این تیم‌ها قرار می‌گرفتندکه اطلاعاتی از ورزش و رشته فوتبال نداشتند و اداره کل ورزش و جوانان نیز به لحاظ قانونی اجازه دخالت در کار آنها نداشت.

بهروزیان فرد افزود: کادری که در راس این تیم‌ها بود نظر هیچکدام از بخش‌های اداره کل ورزش و جوانان، پیشکسوتان و هواداران برای آنها مهم نبود.

وی بیان کرد: هر تصمیمی از سوی مدیریت خود تیم‌ها گرفته شد و اکنون نیز خودشان باید پاسخگوی مردم باشند.

بهروزیان فرد اظهار داشت: چندین بار نیز از اداره کل ورزش و جوانان استان راهنمایی گرفتند ولی اهمیت نمی‌دانند برای نمونه در موضوع مربی کروات شاهین چندین بار به آنها گوشزد شد این مربی به ایران برنمی‌گردد و فرصت را از دست ندهید ولی گفتند مربی به ما قول داده و به تیم بازمی‌گردد.

وی گفت: ای کاش به حرف‌ها گوش کرده بودند اما آقایان خود را همه کاره تیم می‌دانستند و نظر هیچ کس را قبول نداشتند.

بهروزیان فرد با یادآوری این که این تیم‌ها مشکل مالی نداشتند افزود: یکی از سرمربیان شاهین با پنج بازی و کسب سه امتیاز پنج میلیارد ریال از باشگاه دریافتی داشته اگر تیم مشکل مالی داشت این میزان پرداختی صورت نمی‌گرفت.

وی ادامه داد: باشگاه شاهین تغییرات پی در پی کادر مدیریتی داشت و از روز اول تا پایان لیگ پنج بار سرمربی خود را تغییر داده یا باشگاه پارس جنوبی جم با آوردن یک سرمربی و با کادر و بازیکنانی که همراه خود آورد در مجموع ۳۰ میلیارد ریال برای آنها هزینه شد که شاید برخی از این بازیکنان ۲۰ دقیقه نیز بازی نکردند.

مدیرکل ورزش و جوانان استان بوشهر گفت: استاندار بوشهر تلاش قابل توجهی از تیم پارس جنوبی جم انجام داد و وقتی نفت از این تیم حمایت نمی‌کرد پولی با عنوان حمایت از ورزش استان برای این تیم گرفته شد و باوجود این که دستگاه نظارتی نیز اجازه پرداخت نمی‌داد ولی با پیگیری شخص استاندار از همان پول ۷۵ میلیارد ریال در کمتر از سه تا چهار ماه به باشگاه تزریق شد.

وی اظهار داشت: در سه بازی پایانی نیز ۱۵ میلیارد ریال پول به باشگاه پارس جنوبی جم پرداخت شده‌است.

بهروزیان فرد یادآورشد: اگر اداره کل ورزش دخالتی در امور تیم‌ها کرده بود اکنون باید پاسخگو باشد ولی هیچ گونه دخالتی در مدیریت تیم‌ها نداشته است.

وی گفت: روزی که شاهین به لیگ برتر ورود پیدا کرد یکی از دغدغه‌ها شرایط خاص ورزشگاه‌ها بود که ورزشگاه شهید مهدوی شرایط میزبانی را نداشت.

بهروزیان فرد ادامه داد: با پیگیری مجدانه استاندار بوشهر و با هدف این که حتی یک بازی شاهین در خارج از خانه برگزار نشود ظرف ۲ ماه ورزشگاه مهیای مسابقات لیگ برتر شد.

وی افزود: در موضوع سقوط نمایندگان استان هیات فوتبال استان بوشهر نیز نمی‌توانست کاری برای آنها انجام دهد زیرا این هیات رسالت اصلی اش که نظارت و برگزاری مسابقات است را بخوبی انجام داد.

درباب فوتبالیست مدرنی بنام مهدی طارمی



فرخ روزبهی : حالا طارمی یک فوتبالیست کار کشته و مدرن است و به خوبی با سرعت حرکت یا ریتم بازی که به طور فزاینده ای در فوتبال امروز، شدت می گیرد، هماهنگ است، مهارتهای تکنیکی و تصمیمات تاکتیکی اش را بهتر انجام می‌دهد.

مهدی به مدد استعداد، روحیه ی خوب، پشتکار، تجربه و تمرینات منظم، انواع بیشمار محرک های شنیداری و دیداری در حد رعب آور ورزشگاه ها، که از سیستم عصبی اش می گذرند، بدرستی پردازش می کند و مناسب ترین تصمیم را می گیرد. مثلاً توپی را که هنوز دریافت نکرده با یک نگاه سریع اتفاقات بعدی اش راحدس می‌زند.

در واقع او احتمالات و نتیجه نهایی یک موقعیت را بسرعت پیش بینی کرده و با حضور به موقع در محل با کمترین تلاش، وظیفه اش را بخوبی انجام می‌دهد او بر بازی وتوپ مسلط است. حتی زمانی که صاحب توپ نیست، با تجزیه و تحلیل و درک خوب تصمیمش را می گیرد.

سرعت عکس العمل هایش در واکنش به حرکت انجام شده قبلی یا محرک ها مطلوب است. سرعت حرکت که مهمترین کیفیت بازیکن فوتبال است، یعنی دویدن و گرفتن توپهای آزاد و استارتهای انفجاری و رها شدن از مدافع را بدرستی انجام می‌دهد، و توانایی رسیدن به توپ در حالت دفاع یا حمله را دارد.

حرکت های یک وجهی طارمی، مثل توقف ناگهانی، فریب بدنی، تکل، جهش یا چرخش و تغییر جهت، تقریبا در حد کمال است.

از دیگر ویژگی های او پاس‌های دقیق گل، تحت فشار قرار دادن حریف برای دادن پنالتی، ضربه های سر زیبا و زمان بندی عالی است. در ضمن او در زدن ضربه با پای برترش به دلیل کسب تجربه بیشتر نیاز به زمان کوتاه تری دارد. برای موفقیت و افتخار آفرینی بیشتر این هموطن، هم استانی و همشهری مان با بازی هیجان انگیز و گرمش صادقانه و از صمیم دل دعا می کنیم.

عباس برزگرزاده مدیرکل حوزه استاندار بوشهر:

سقوط پارس جم و شاهین بوشهر از لیگ برتر بدلایل مالی نبود

تزلزل در تصمیم گیری، عدم مدیریت ورزشی و روانی از موجبات سقوط این دو تیم بودند

بوشهر-ایرنا- مدیرکل حوزه استاندار بوشهر گفت: سقوط پارس جم و شاهین بوشهر از لیگ برتر فوتبال کشور به هیچ وجه دلایل مالی نبوده و باید پاسخ مسئله را در جای دیگری جست.

عباس برزگرزاده در گفت وگو با ایرنا افزود: در خصوص تیم پارس جم استاندار حمایت‌های بی دریغی داشتند تا جایی که به منظور رفع موانع قانونی جهت کمک به این تیم در ۱۵ بهمن ماه با رئیس قوه قضاییه مکاتبه کردند.

وی یادآورشد: در این راستا استاندار بوشهر ۱۰ میلیارد تومان فقط در فصل جاری برای این تیم از وزارت نفت در این شرایط کسری بودجه اعتبار جذب کردند آن هم در شرایطی که دستگاه‌های نظارتی هم ایرادات قانونی خودشان را داشتند.

مدیرکل حوزه استاندار بوشهر گفت: یکی از مسائل و موضوع‌هایی که به صورت مستمر از جمله مباحث هفتگی برنامه های مدیریتی این استان بود رفع و دفع مانع از سر راه نمایندگان استان در لیگ برتر فوتبال کشور بود.

برزگرزاده ادامه داد: هر آنچه که تهیه آن به عنوان بستر مناسب فعالیت این دو تیم لازم بود توسط استانداری صورت پذیرفته ولی دخالت در نوع مدیریت و گزینش‌ها نه تکلیف استانداری است و نه شان آن به عنوان یک نهاد حاکمیتی است.

وی ادامه داد: تزلزل در تصمیم گیری، عدم مدیریت ورزشی و روانی از موجبات سقوط این دو تیم ارزشمند در لیگ برتر بوده است.

برزگرزاده اظهارداشت: تعارفات را باید کنار نهاد چرا که با رفاقت محوری یک تیم اداره نمی‌شود.

مدیرکل حوزه استاندار بوشهر گفت: مدیریت باشگاه ورزشی لوازمی دارد که متاسفانه برخی که از آن بی بهره بودند در راس نشستند و مدیران مدبر این حوزه را به گوشه‌ای راندند.

برزگرزاده ادامه داد: امیدوارم از این اشتباهات که هم تاوانش و هم جبرانش بسیار سخت است درس بگیریم و در آینده با لحاظ رویکردهای دقیق و خارج از حب و بغض ها دوباره شاهد افتخار آفرینی باشگاه‌های ورزشی استان باشیم .

در این فصل از رقابت‌های لیگ برتر فوتبال کشور پارس جنوبی و شاهین شهرداری بوشهر به ترتیب با ۲۸ و ۲۲ امتیاز به دسته پایین تر سقوط کردند.

رکوردی که شاهین شهرداری در لیگ برتر زد: طولانی ترین زمان قرنطینی!



تیم سقوط کرده شاهین بوشهر که بسیاری از رکوردهای منفی نوزدهمین دوره لیگ برتر را به خود اختصاص داد، دارای رکورد طولانی ترین قرنطینی شد.

تیم فوتبال شاهین بوشهر که همراه با گل گهر سیرجان در ابتدای فصل نوزدهم از لیگ یک به لیگ برتر صعود کرد، به لطف نتایج ضعیفی که گرفت خیلی زود به لیگ یک بازگشت. همین تیم بوشهری بسیاری از رکوردهای منفی لیگ برتر را هم به خود اختصاص داد از جمله ضعیف ترین خط دفاع با ۵۷ گل خورده، بیشترین شکست با ۱۶ باخت و کمترین برد با تنها ۴ برد (به صورت مشترک همراه با پارس جنوبی).

یکی دیگر از رکوردهای منفی که تبدیل به اتفاقی بد و نادر برای این تیم شد، طولانی ترین دوره قرنطینی در لیگ برتر بود. بوشهری کار خود را در لیگ نوزدهم با شکست سنگین ۳ بر صفر مقابل سپاهان و قرنطینی شروع کرد و با شکست ۲ بر یک مقابل شهرخودرو در هفته دوم این قرنطینی را ادامه داد.

شاهینی ها به جز هفته های ۲۰ تا ۲۲ که پیکان در انتهای جدول قرار داشت، در سایر هفته‌ها در آخرین رده از جدول قرار داشت. تا ۲۷ هفته در قعر جدول لیگ نوزدهم قرار داشته باشد.

پارس جنوبی جم دیگر تیم استان بوشهر که با لیگ برتر خداحافظی کرد، تنها در سه هفته پایانی به رده پانزدهم رسید و مشکلاتی که پیرامون آنها را گرفته بود اجازه فرار از منطقه خطر را به این تیم نداد تا استان بوشهر به یکباره در لیگ برتر سهمیه نداشته باشد. پارس جنوبی در هفته چهارم مسابقات در جایگاه هفتم جدول قرار داشت و این بالاترین رتبه ای بود که آنها در این فصل تجربه کردند.

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب،
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



شجاع در «قلم و نظر»

محمد دادفر



مرگ بی رحم تر از این حرف هاست که بخواهد از مرد خوب و سر به زیر و بی آزاری مثل آقای قاضی زاده بگذرد. کرونا برای بردن قاضی دلیل ساخت این مرد ساده و بی شیله پیله و در این حال شجاع در «قلم و نظر» را به قربانگاه برد. قاضی مصداق آنهایی بود که بی ملاحظه ی دنیا پای مرامشان می ایستند و سعی می کنند زمان از دست ندهند و هرچه به کف دارند بدهند.

نشانی دفتر نشریه «چشم انداز» شانه های قاضی بود و هیئت تحریریه در دلش.

نام نیکش ماندگار و چشم اندازش در چشم تاریخ گرامی.

تسلیت به قلم، مطبوعات و معلمان متعهد بوشهر

از روزی که چشم‌انداز جنوب را درآورد، منتظر هر اتفاقی بود

به یاد غلامعلی قاضی‌زاده

محمدعلی محسنی‌فرد

بوالعجب واقعه‌ای باشد و مشکل دردی
که نه پوشیده توان داشت نه گفتن یارند

چند هفته‌ای است که من نظم و نسق روحی درست‌وحسابی ندارم. گاه آرزو می‌کنم کاش یا نفر بعدی خودم باشم، یا تمام آواری که قرار است، قرار است؟، طی چند ماه یا سال بر سرم فرود آید یک‌روزه فرود آید؛ یا می‌مانم یا می‌غلطم.

امروز هم گردابی حایل مرا متوجه کرد که سبکباری ساحل خیالی بیش نیست. انگار دستی در کار است که بعد از بیختن آرد تعلیم و آویختن آردبیز تعلّم، تازه باید گوش هوش، کدام هوش؟ فرادارم و حواسم جمع باشد که هر دیدار یا شنیدار ممکن است مورد آخرین باشد. کی باشد که به اطمینان برسد که کاملاً متوجه شده‌ام، نمی‌دانم.

من با غلامعلی از کلاس اول ابتدایی آشنا و سپس دوست شدم. انگار قرار نانوشته‌ای بود که او را قاضی بنامیم. نامی که بعدها هم همراهی‌اش کرد. من و قاضی هم‌ولایتی بودیم؛ همکلاس و همسایه هم شدیم. مدتی بعد، در سال‌های دانش‌آموزی و دربه‌دری، هم‌کاسه هم شدیم. کاسه‌ای که مظروفش چیز خاصی نبود؛ ولی ظرفش دست‌های ما را به هم حلقه می‌کرد. کدام حلقه؟ حلقه‌ای که شاید قصه‌ی گیسو و سلسله‌ی مویی درش نبود، ولی تا دل شب، و شاید دیرتر، سخن از هرچه و هرجا بود.

عکسی دارم که در آن، قاضی از من بلندقدتر است. کلاس دوم راهنمایی بودیم که معلم ما، محمد غلامی، آن عکس را انداخت. هر وقت بحثمان بالا می‌گرفت، می‌گفت: حواست باشد که من از حیث قد و قامت هم بلندترم؛ مدرک هم دارم. و من چه داشتم که بگویم؛ جز خنده‌ای از سر همراهی یا ناسزایی از روی ناچاری!

همان سال‌ها بود که به ابتکار معلم انشایمان، محمد غلامی، می‌توانستیم به‌جای خواندن انشا، شفاهی سر کلاس حرف خود را بزنیم. قاضی پیش‌قراول بود؛ و من نفر بعد. از موضوعات و حرف‌های آن روزها چیز قابل ذکری در ذهن ندارم؛ ولی به یاد می‌آورم که من نقد و نطق بعضاً تند او را نداشتم؛ اگرچه در ماهیت خمیرمایه‌ی مشترک داشتیم.

روزی که مرا برای آزمون ورودی دانشسرا ثبت‌نام کرده بود، من جبهه بودم. نامه‌ای به دستم رسید که در تاریخ فلان روز باید خورموج باشم و در آزمون ورودی شرکت کنم. بهانه‌ای شد که چهار روز مرخصی بگیرم و ضمن حضور در آزمون، سری هم به خانه‌ی پدری بزنم و شبی هم با قاضی و دایی پر از حرف کنیم و چقدر حرف می‌زدیم ما! حالا چه؟

همکار هم شدیم. قاضی به تدریس جغرافیا پرداخت و من معلم انگلیسی بودم. بعد از سال‌ها، مسئولیتی بر عهده‌ام گذاشته شد به نام مدیر دبیرستان. قاضی را به عنوان معاون اجرایی معرفی کردم؛ مافوق نپذیرفت. گفتم: قاضی نمی‌پذیرند. گفت: حدس می‌زدم؛ از روزی که چشم‌انداز جنوب را درآوردم، منتظر هر اتفاقی هستم؛ حتی مخالفت با دفترداری مدرسه!

راستش من هم سال‌هاست که منتظر هر اتفاقی هستم؛ ولی بعضی اتفاق‌ها انگار اتفاق نیستند؛ متفقند که آدم را مضمحل کنند؛ متلاشی کنند؛ نابود کنند.

بس است.

ای وای یاورم رفت

مرثیه ای در رثای غلامعلی قاضی زاده

حسین حشمتی



همین یکی دوماه قبل بود که چشم انداز را مجددا منتشرکرده بود، زنگ زد و با خوشحالی گفت نشریه را راه اندازی کردم و دادم دست دخترم، اگر مطلبی داری بفرست، ومن تا یادداشت دریچه ی جدید به چشم انداز را نوشتم و درصدد ارسال آن برای سردبیر نشریه ات بودم خبر ناگوار ابتلایت به بیماری منحوس کرونا را خواندم و کامنت گذاشتم که بنیه و روحیه قاضی زاده قوی است و این بیماری را شکست خواهد داد اما طولی نکشید که شنیدم بستری شده ای و به کمک دستگاه نفس می کشی و هنوز از این شوک خارج نشده بودم که رسانه های مجازی و نوشتاری عکست را منتشر کردند با نوار سیاهی در گوشه قاب عکست، با یکی از مدیران مسئول نشریات استان تماس گرفتم، گفت متاسفانه آسمانی شده است، خیلی متاثر شدم، اشکم جاری شد شروع کردم به واگویه ی خاطراتت در خانه مطبوعات اول، یادم آمد در آن سالها که دست تنها درصدد اسباب کشی به محل اجاره ای خانه مطبوعات بودم اغلب روزها به کمکم می آمدی و یک گوشه کار را می گرفتی، در مراسم و برگزاری کلاسهای آموزشی نیز همراهی صمیمانه ای داشتی می گفتی شما برادر بزرگ ما هستی احترامت واجب است. خیر خواه و دلسوز بودی، هیچگاه یادم نمی رود وقتی می خواستیم برای کمک به یک همکار مطبوعاتی مبلغ مورد نیاز را جمع آوری کنیم، لیست تعدادی از خیرینی را که با آنان تماس گرفته بودم و جواب مساعد نداده بودند گرفتی وبا همه آنان حضورا دیدارکردی و تا مبلغ لازمه فراهم نشد آرام نگرفتی.

در عرصه ی روزنامه نگاری هم ید طولایی داشتی، در مقاله نویسی صاحب سبک بودی، به این ترتیب که اصل را بر انعکاس مشکلات و کمبودهای مردم استان قرار داده بودی، در مقاله هایی که می نوشتی این اصل را رعایت می کردی اما هیچ گاه این رویه را به نویسندگانی که برای نشریه ات مطلب می نوشتند توصیه نمی کردی و مقاله های آنان را بدون کم وکاست منتشر می نمودی در نشریه داری اما اهل تعامل وهم افزایی با سایر مدیران مسئول بودی، نشریه ات گاهی با همیاری آنان چاپ می شد که شخصا به کیوسکداران سطح شهر می رساندی، اگر چه قیمت تک فروشی در آن زمان و شاید الان به صاحبان مطبوعات پرداخت نمی شد اما خودت از آن چنان مناعت طبعی برخوردار بودی که سراغشان نمی رفتی مگر این که خودشان پس ازچند ماه مبلغی را به حسابت واریز می کردند خدایت بیامرزاد و به بازماندگانت علی الخصوص همسر بزرگوار و دختر بزرگت شکیبایی عنایت فرماید و کمک کند تا در غیابت نشریه چشم انداز را منتشر سازند و راهت را ادامه دهند.

انا لله وانا الیه راجعون



با دریغ و افسوس، خبر درگذشت ناگهانی همکار عزیز و فرهیخته مان زنده یاد غلامعلی قاضی زاده به سوگمان نشانید.

سه هفته متوالی است که جامعه فرهنگیان استان سه مرد کوشنده ی فرهنگ پرور را که از سرمایه های مدنی مان بودند از دست داد و داغدار فرزندان فرهنگی خویش شدیم؛ پس از مرحومان صدرالله محمدی باغملایی و جاوید تکاوران که از فرهنگیان فرهیخته ی استان بودند مرحوم قاضی زاده، مدیر مسول هفته نامه چشم انداز جنوب، فعال رسانه ای و مدنی و همکار عزیزمان در اداره کل آموزش و پرورش استان نیز به سرای باقی شتافتند.

این جانب با تاثر و تالم، مصیبت وارده را به خانواده آن زنده یاد، جامعه فرهنگیان و خانواده فرهنگ پرور مطبوعات و رسانه استان تسلیت می گویم و از ایزد منان برای ایشان مغفرت و آرامش رضوان و برای بازماندگانشان صبوری و شکیبایی مسالت مینمایم.

بی گمان دغدغه های بلند و متعالی وی در توسعه فرهنگی و مدنی استان از یادمان نخواهد رفت.

علیمراد کرمی
مدیر کل آموزش وپرورش استان بوشهر

قاضی زاده هم رفتنی شد

یونس قیصی زاده

تحولات مهم بشری بر دوش گمنامان بوده است، گرچه ممکن است رهبرانی باشند که کلید جنبش های اجتماعی و مدنی و سیاسی را زده باشند، اما این مردم گمنام و معتقد و آرمانگرا بوده اند که آن جنبش و اصلاح و تغییر را به جلو می برند.

غلامعلی قاضی زاده از جمله این گمنامان بود، معلم ساده ای که دل در گرو پیشرفت کشورش داشت. دغدغه مردم و دل نگران



آینده بود و اعتقاد به شیوه اصلاح طلبی و شوق بالندگی ایران عزیز را در سر داشت.

معلم دلسوزی که پیاده نظام مشی اصلاح طلبی شد، همانند صدها هزار دانشجو و روزنامه نگار و دیگر فعالان گمنام سیاسی که بدون هیچ چشمداشتی پای به میدان گذاشتند و خود را به دل حوادث زدند و هزینه بسیار دادند تا معتقد به آرمانهای خود، تنها نظاره گر نباشند.

اما غلامعلی قاضی زاده پای از این نیز فراتر گذاشت و با انتشار نشریه چشم انداز جنوب و فعالیت مطبوعاتی، سعی کرد تا نقش فعالتری را در روند تغییرات اجتماعی بر عهده گیرد. شاید ویژگی اصلی وی همین حس مسئولیت پذیری بود که در زندگی کوتاه اما پربارش وی را لحظه ای رها نکرد، زمانی که در جنگ احساس مسئولیت کرد، در حالی که نوجوانی دانش آموز بود، به سوی جبهه شتافت و در سنگر نبرد با دشمن برای دفاع از کشور و انقلاب جنگید. زمانی که در قبال فرزندان این مرز و بوم احساس مسئولیت کرد در کسوت معلمی به مدرسه و کلاس درس شتافت تا دانش آموزان را تعلیم و تربیت بیاموزاند.

و زمانی که برای مردمش احساس مسئولیت کرد پای در کار پردردسر روزنامه نگاری گذاشت تا با انتشار چشم انداز جنوب دین خود را به مردم و کشورش ادا نماید.

در این راه از شجاع ترین روزنامه نگارانی بود که لحظه ای از آرمانهای سیاسی و اصلاح طلبی خود عقب ننشست و علیرغم سختی ها، هزینه، تهدیدات و توهین هایی که شنید، ثابت قدم تر ادامه داد و آن همه ناملایمات را که دید و چشید را نه به کس گفت و نه منتی بر کسی گذاشت و نه فخری برای خود ساخت، گویا آن همه سختی را عشق به وطن و مردم برایش گوارا و تحمل پذیر ساخته بود.

تحولات بشری و تغییرات اجتماعی و سیاسی مرهون مردمانی همانند غلامعلی قاضی زاده هست، افرادی که گمنام اند اما با تحمل سختی ها و دادن هزینه های بسیار، باعث زنده ماندن شوق پیشرفت و ایجاد تغییر میشوند، کسانی که نه طلبکارند و نه مدعی اما پای کارند و مصمم، از موانع نمی ترسند و برای خود رسالت و اهداف و چشم اندازی متصور شده اند و بر سر عهد خود ایستادند گرچه از هر جهت تیر جفا بر سر و رویشان باریدن بگیرد.

افسوس که عمر وی به دنیا نبود و نابهنگام و زودهنگام بار سفر ابدی بست و کشور و استان بوشهر معلمی دلسوز، روزنامه نگاری شجاع، اصلاح طلبی صادق، شهروندی مسئولیت پذیر و انسانی مهربان را از دست داد.

پیام تسلیت دکتر سالاری به مناسبت درگذشت روزنامه نگار فقید غلامعلی قاضی زاده



بازگشت همه به سوی اوست

خبر تلخ درگذشت نابهنگام همکار فرهنگی سال های دور و روزنامه نگار با اخلاق، آقای غلامعلی قاضی زاده موجب تاثر و تالم اینجانب گردید.

وی معلمی بود که همواره و عمیقا دغدغه پیشرفت و توسعه استان و کشور را داشت و به عنوان یک فرد مطبوعاتی اخلاق پیشه، از هیچ کوششی در مسیر توسعه و ترویج اخلاق فروگذار نمی کرد.

ضمن ابراز تاسف، مصیبت دردناک درگذشت این دوست گرانقدر، همکار ارجمند و روزنامه نگار بااخلاق را به خانواده محترم قاضی زاده و فعالان عرصه فرهنگ و مطبوعات استان بوشهر تسلیت گفته و علو درجات را برای آن فقید سعید مسئلت می نمایم.

مصطفی سالاری
مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی

پیام تسلیت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر

خبر درگذشت غلام‌علی قاضی‌زاده، روزنامه نگار و مدیرمسئول هفته‌نامه چشم انداز جنوب موجب تاثر گردید. شادروان از فعالان جامعه بزرگ روزنامه نگاری و خبر بود که پس از تحمل یک دوره سخت بیماری و بستری شدن در بیمارستان شهدای خلیج فارس بوشهر به دلیل بیماری جان به جان آفرین تسلیم گفت.

اینجانب ضمن عرض تسلیت به جامعه فرهنگی، اصحاب رسانه استان بوشهر و خانواده محترم زنده یاد، از ذات اقدس الهی علو درجات را برای ایشان و صبر و بردباری را برای خانواده محترمشان آرزومندم.

فاطمه کرمپور
مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر

پیام تسلیت مهندس تبادار به مناسبت درگذشت روزنامه نگار فقید غلامعلی قاضی زاده



"کُلُّ نَفْس ذائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَیْنا تُرْجَعُون"

"وقتی نگاه می کنم از جای جای شهر
داغ تو روشن است به جای چراغها"

درگذشت فرهنگی فرهیخته،غلامعلی قاضی زاده،فعال رسانه و ادیب توانمند،مدیر مسئول هفته نامه ی چشم انداز جنوب، را به جامعه ی فرهنگی،خانواده ی داغدار و همکاران ایشان تسلیت می گوییم.

این مرد پرتلاش و اهل قلم که تاواپسین روزهای پرثمر زندگی خویش، وقت خود را صرف گسترش ادبیات و فرهنگ این بوم و بر نمود و با تعهد و مسئولیت پذیری در جهت اصلاح امور ،آرمانها را به خوبی در قلم خود پدیدار ساخت ، فقدانش مایه ی تاسف و تاثر همه دلدادگان حوزه ی فرهنگ و ادب است.

از یاد نبریم که پیدایش چهره های تابناک فرهنگی _ادبی و خلاق و نوآور مانند قاضی زاده،محصول وزیدن نسیم خوش رایحه ی صنعت و تجدد در دیار بوشهر بوده است.

رحلت آن عزیز سفر کرده نه تنها برای ما هم استانی های بوشهری ایشان بلکه برای همه ی دلباختگانِ فرهیختگانِ والامقام خادم زبان فارسی و ادب وَ فرهنگ ایران،دردآور اسَت. ضمن ابراز مراتب تسلیت خود برای از دست دادن این مرد فرهنگ پرور و روزنامه نگار شجاع، از جامعه ی فرهنگی و مطبوعات و اصحاب رسانه انتظار است که بزرگداشت این شایستگان فرهنگی را پاس بدارند.

غفرالله لنا و له ان شاالله

اسمعیل تبادار

کجایی و چه می کنی، ای صمیمی ساده؟

دل‌نوشته‌ای برای غلاَمعلی قاضی‌زاده

اسماعیل منصورنژاد



مجال
بی‌رحمانه اندک بود و
واقعه
سخت
نامنتظر.
از بِهار
حظ تماشایی نچشیدیم،
که قفس
باغ را پژمرده می کند.
(زنده‌یاد احمد شاملو)

همان سال که هفته‌نامه‌ی «چشم‌انداز» زاده شد، شبی کوه بودیم و باران در شبانه‌ی کوهستان یک‌ریز می‌بارید. صبح آن شب بارانی، هوا در تلاقی آرامش و بارانَ، انبوهی رطوبت و مه بر کوه آوار کرده بود؛ در میانه‌ی بوی علف و آب و نمناکی زمین و طنینِ دل‌نوازِ کوه و ترانه و باران و اشتهای رفیق.... و صَدای علیرضا افتخاری:

صدایم کن، تا امان یابد
عابری خسته، در شبِ باران....

در این حال و هوا و دَر سراشیبی، تلفن صدایم کرد و نام «غلامعلی قاضی‌زاده» همکار فرهنگی‌ام بر صفحه نمایان شد. سلامی و علیکی و... «کجایی و چه می کنی» و کمی شوخی و اینکه: «مجوز هفته‌نامه گرفته‌ام» و... از من خواست برایش لوگویی «ساده» طراحی کنم.

شنبه اول شهریورماه ۱۳۹۹، همین که کانال خبری پیغام را باز کردم، عکس «غلامعلی» را دیدم و «واقعه سخت نامنتظر». از پس این خبرِ دل‌آشوب در فضای سهمناکِ «کرونا» و شرجی و گَرما، تمام وجودم گره خوردَ به آن شب بارانی در زمستان و صبحی که هوا در تلاقی آرامش و باران، صدای او را زمزمه می کرد: «کجایی و چه می کنی؟»

* * *

سختی‌های کار روزنامه‌نگاری را همه می‌دانیم و نمی‌خواهم در این باره چیزی بنویسم، اما غلامعلی قاضی‌زاده ویژگی‌هایی داشت که آدم وقتی در آینه‌ی وجود بی‌ادعایش می‌نگریست، سختی‌ها را بر خود هموار می کرد.

غلامعلی مردی بی‌ادعا بود که بیش از دیگران در مقابل نظرات حرفه‌ای سر تسلیم فرود می‌آورد و به قول دکتر رضا معتمد هماره یک «چشم» آماده داشت که تحویلت بدهد.

و... امروزَ در بازتاب آن «چشم» همیشگی با هفته‌نامه‌ی «چشم‌انداز»، سیمای مردی «ساده و بی‌ادعا» را می‌بینیم که دغدغه‌هایش «ساده» نبود و در این مجال حرف‌های زیادی برای گفتن داشت؛ هرچند پرمایگی درونش را هیچ‌گاه به رخ کسی نکشید.

«چشم‌انداز» با آن چند برگ سیاه و سفید و عنوان ساده‌ای که با نستعلیق برایش نوشته بودم، آینه‌ی تمام نمای یک مرد «خودمانی» و ساده بود که جسارتی کم‌نظیر آن را پوشش می‌داد؛ هر چند در این راه سختی‌ها کشید، ملامت‌ها شنید و تلاش کرد دل‌نگرانی‌های عمیق‌اش را گاه پیوسته و گاه بریده‌بریده در همان چند برگ کاغذ ساده و سیاه و سفید، آشکار کند.

* * *

آه آه! که در پس‌توی وجود این روزنامه‌نگار شجاع و نازنین و گلِ بی‌منتِ باران، «دوست داشتن» موج می‌زد؛ دوست‌داشتنی که هیچ ارتباطی با روزنامه‌نگاری نداشت، اما در صفای روستازادگی‌اش ریشه داشت که یک دهاتی ساده مثل مرا وامی‌داشت تا دوستش بدارم و نگران روزی باشم که او را «کم بیاورم». دریغا و دردا....

از بِهار
حظ تماشایی نچشیدیم،
که قفس
باغ را پژمرده می کند.

یاد غلامعلی قاضی‌زاده، دیرآشنایِ صمیمی و دوست‌داشتنی در دلم خواهد ماند، نه در خاطرم.

امسال زمستان باید در شبی بارانی در کوه باشم تا در صبح مه‌آلود فردایش، صدای نازکی از دل فرسنگ‌ها و در همهمه‌ی مه و باران و باد و کوه طنین‌انداز شود و این بار من بپرسم: «کجایی و چه می کنی، ای صمیمیِ ساده؟»